Vol. 13 | No. 3452 | Tue. Nov 3 . 2026 | سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵ | ۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۵۲ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

رییس جمهور در نشست با استانداران و شهرداران کلان‌شهرها و مراکز استان کشور:

رهبر انقلاب در زمینه گفت‌وگوها اختیاراتی به دولت داده‌اند

صفحه ۲

مذاکرات ادامه دارد، اما خطر بازگشت جنگ همچنان جدی است

هشدار قاطع تهران به ترامپ

صفحه ۲

یادداشت-۱

تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر تحریم و محاصره



علی شریعتی

تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر فشار تحریم، محاصره و جنگ اقتصادی تا چه اندازه است و از منظر اقتصادی تا چه اندازه می‌توان این فشارها را تحمل کرد؟

پاسخ به این پرسش، به ویژه در شرایطی که دونالد ترامپ، وزیر خزانه‌داری و سایر ارکان دولت امریکا مدام از راهبرد «فشارهای فزاینده اقتصادی برای تسلیم‌سازی ایران» سخن می‌گویند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. واقعیت آن است که اقتصاد ایران وابستگی دیرینه‌ای به درآمدهای نفتی داشته است.

با تشدید تحریم‌ها و ایجاد خلل جدی در درآمدهای نفتی، دوران طلایی گردش اقتصاد بر پایه دلارهای نفتی به پایان رسید و کشور ناچار شد با شرایطی روبه‌رو شود که در آن شاخص‌هایی چون نرخ تشکیل سرمایه نه تنها روندی نزولی به خود گرفت، بلکه به محدوده منفی سقوط کرد. در کنار این، نرخ رشد اقتصادی نیز شرایط مشابهی را تجربه کرده و منفی شده است.

اینها واقعیت‌های عریان اقتصاد ماست، آمارهایی که به تعبیری «دروغ نمی‌گویند» و نشان می‌دهند که کشور سال‌ها با تکیه بر درآمدهای سرشار سر پا بوده و امروز در شرایط سختی به سر می‌برد. با این حال، به تعبیر برخی بزرگان، کشور ایران همواره از لطف الهی و باوری عمیق برخوردار بوده که توانسته از روزهای نخست تحریم‌ها تا به امروز از پیچ‌های خطرناکی عبور کند. قصد گول زدن خود را نداریم؛ شرایط دشوار است، اما از آن طرف، تحولات ساختاری مهمی رخ داده که باید به آنها توجه کرد.

یکی از مهم‌ترین ریشه‌های آسیب‌پذیری اقتصاد ایران، سیاستگذاری‌های ارزی غلط در دهه‌های گذشته بوده است. در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، با وجود درآمدهای سرشار نفتی و ارزی که تحریم‌ها را «کاغذپاره» می‌خواندند، ارز کشور به حراج گذاشته شد.

در دوره‌های بعدی و به ویژه زمان معاون اولی آقای جهانگیری نیز با ورود به سراشیبی ارزی، سیاست نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی و تخصیص محدودیت‌ها اجرایی شد. بلایی که سیاستگذاری ارزی نادرست بر سر کشور آورد، ایجاد رانت‌های عظیم قیمتی و تبدیل اقتصاد به «بهشت واردات» بود.

خوشبختانه طی روزهای اخیر، یکی از تصمیمات درست کشور، اصلاح همین رویه از طریق محدودسازی اقلام مرکز مبادله بوده است.

تا پیش از این، حدود ۵هزار آیتم و کد کالایی از ارز ترجیحی استفاده می‌کردند که این تعداد به سرعت در حال کاهش است؛ چنانکه این حجم به ۶۶قلم رسیده و در حوزه کالاهای جهیزیه و دارو نیز در حال اصلاح است.

پیش‌تر، ارز ارزان‌قیمت دارو در کشور به گونه‌ای بود که برخی کشورهای همسایه برای چپاول داروهای ما سرازیر می‌شدند، اما اکنون این بساط در حال جمع شدن است.

نکته کلیدی در این میان، مدیریت درست منابع ارزی است. در شرایط عادی، مافیای اقتصادی اجازه نمی‌داد این اصلاحات رخ دهد، اما فشار تحریم‌ها دولت را مجبور کرد تا به سمت این تاب‌آوری حرکت کند. هم‌اکنون نیز حدود ۱۶ میلیارد دلار ارز برای کالاهای اساسی اختصاص می‌یابد که امیدواریم با اصلاح نهایی وزارت بهداشت، این بخش نیز به سامان برسد.

تحولات مهم دیگر در حوزه وصول مطالبات و برخورد با رانت‌خواران رقم خورده است. اقتصاد ایران با دو پدیده مخرب یعنی «صنایع رانتی» (همچون قیر و پتروشیمی که ارز حاصل از صادرات را باز نمی‌گرداندند) و «تراستی‌های زاده تحریم» مواجه بود.

کاسبان تحریمی که تندترین شعارها را می‌دادند، اما در عمل، خود و خانواده‌شان میلیاردها دلار از پول این مملکت را به بهانه دور زدن تحریم‌ها چپاول کردند.

خوشبختانه با فشار دستگاه‌های نظارتی و قضایی، بسیاری از این افراد به زندان افتاده یا تحت فشار قرار گرفتند تا پول‌های به تاراج رفته مملکت بازگردد. دقت به همین نقاط هدررفت ارز، یکی از ارکان اصلی تاب‌آوری اقتصاد ما بوده است. در مجموع، اقتصاد ایران سال‌ها با اتکا به درآمدهای کلان، منابع عظیمی انباشته بود.

امروز اقتصاد ما درست مانند انسانی است که به دلیل از دست دادن کار یا درآمد، ناچار می‌شود از «ذخایر چربی بدن» خود برای بقا استفاده کند. ما در شرایط سختی هستیم، اما خوشبختانه اینقدر «چربی» و ذخایر انباشته داشته‌ایم که بتوانیم از این انرژی استفاده کنیم.

بی‌شک این تحریم‌های ظالمانه همیشگی نخواهد بود و در ادامه این دوران سخت، به فرصتی تبدیل خواهد شد تا اقتصاد ایران با بدنی ورزیده‌تر، کم چرب‌تر و با نشاطی افزون‌تر به سمت روزهای روشن آینده حرکت کند.

«تعادل» در یادداشتی وضعیت این روزهای بورس را بررسی می‌کند

علامت هشدار در بورس

بررسی معاملات روزهای اخیر نشان می‌دهد ضعف این روزهای بازار سرمایه فقط یک افت معمولی شاخص نبود، چند علامت هشدار همزمان دیده می‌شود؛ افت سنگین شاخص کل، خروج نقدینگی حقیقی، برتری تعداد نمادهای منفی و فشار فروش در شرکت‌های بزرگ. به نظرم باید این روزها را از سه زاویه بررسی کنیم؛ رفتار شاخص‌ها، جریان نقدینگی و وضعیت بنیادی و ریسک‌های بازار. در بررسی تصویر بازار در پایان معاملات دیروز، نکته مهم این است که شاخص کل بیش از دوبرابر شاخص هم‌وزن افت کرده است. این اختلاف نشان می‌دهد شرکت‌های بزرگ و شاخص‌ساز فشار بیشتری تحمل کرده‌اند. البته افت هم‌وزن نیز نشان می‌دهد مشکل محدود به چند سهم بزرگ نبوده است. به نظرم چهار عامل را در روند ضعف بازار، باید از هم تفکیک کنیم:

الف) فشار فروش در شرکت‌های بزرگ: طبق گزارش معاملات دیروز، وقتی شرکت‌هایی مانند ملی مس، صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس و پالایش نفت اصفهان تحت‌فشار فروش قرار می‌گیرند، شاخص کل به‌شدت متأثر می‌شود.

ب) خروج نقدینگی حقیقی: این بخش از مهم‌ترین علامت هشدار دیروز است و نشان می‌دهد که سرمایه‌گذار حقیقی دیروز تمایل بیشتری به فروش داشته است. این اتفاق از افت خود شاخص مهم‌تر است، چون نشان می‌دهد بخشی از سرمایه‌گذاران حاضر نیستند در قیمت‌های فعلی ریسک سهام را بپذیرند.

ج) وضعیت فرابورس بهتر از بورس، اما همچنان منفی: شاخص فرابورس فقط ۰،۳۹ درصد افت کرده، در حالی که شاخص کل بورس ۱،۶۲ درصد کاهش داشته است. این تفاوت نشان می‌دهد فشار فروش در بورس تهران، به ویژه در شرکت‌های بزرگ، شدیدتر بوده است.

د) ریسک سیاسی و انتظارات ارزی: یکی از موضوعات مهم بازار، حساسیت به اخبار سیاسی و احتمال تشدید تنش‌های منطقه‌ای است که این روزها اخبار آن سرمایه‌گذار را در وضعیت ابهام قرار داده است.

برای روزهای آینده سه سناریوی خاص را می‌توان برای بازار سهام متصور بود؛ نخست بازگشت تقاضا: کاهش تنش سیاسی، ورود پول حقیقی و افزایش ارزش معاملات، امکان اصلاح مثبت و برگشت شاخص، دومین مورد نوسان و فرسایش که ادامه ابهام سیاسی و نبود نقدینگی موثر و معاملات نوسانی و کم‌رمق و درنهایت سومین مورد ادامه افت که تشدید ریسک‌های سیاسی و خروج پول افزایش فشار فروش و درنهایت احتمال ثبت کف‌های پایین را در پی دارد. در هفته آتی این چند شاخصه مهم در بازار باید تحت بررسی قرار بگیرد که نخستین مورد ورود و خروج پول حقیقی است؛ آیا خروج نزدیک به ۵ همت متوقف می‌شود؟ مورد؛ ارزش معاملات خرد: آیا حجم و ارزش معاملات با ورود تقاضای واقعی افزایش پیدا می‌کند؟ سومین مولفه؛ قدرت خرید حقیقی: آیا سرانه خرید به سرانه فروش نزدیک می‌شود؟ چهارمین مورد؛ تعداد نمادهای مثبت و منفی: آیا مشارکت بازار در رشد بیشتر می‌شود؟ پنجمین مورد نیز؛ رفتار نمادهای بزرگ: به‌خصوص فملی، فارس، فولادی‌ها، پتروشیمی‌ها و پالایشی‌ها. جمع‌بندی و نظر تحلیلی من با ارزیابی فعلی منفی و محتاطانه است. رفتار اصلاحی بازار طی روزهای اخیر را می‌توان یک روز هشداردهنده برای بازار دانست و به‌نوعی این روندها فعلا شروع ریزش نیست.

سه نکته مهم است؛ افت شاخص کل در کنار افت شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد ضعف بازار گسترده‌تر از چند نماد بزرگ است. خروج پول حقیقی نشان می‌دهد اعتماد و تمایل به پذیرش ریسک فعلا پایین آمده است. فرابورس افت کمتری داشته، اما هنوز نشانه‌ای از برگشت قطعی بازار ارائه نمی‌دهد.

یک نکته بنیادی هم وجود دارد که رشد اسمی شاخص در اقتصاد تورمی ایران الزاما به معنای رشد واقعی ارزش شرکت‌ها نیست. باید بررسی کرد آیا سودآوری شرکت‌ها، جریان نقد عملیاتی و توان تقسیم سود نیز متناسب با رشد قیمت‌ها افزایش یافته‌اند یا خیر.

بنابراین، من در شرایط فعلی، خرید هیجانی را منطقی نمی‌دانم و برای تشخیص برگشت بازار منتظر تایید همزمان جریان نقدینگی، قدرت خرید و بهبود تعداد نمادهای مثبت می‌مانم.

تحلیل

محلن عصمت‌پناه

علامت‌های هشدار در بورس

بررسی معاملات روزهای اخیر نشان می‌دهد ضعف این روزهای بازار سرمایه فقط یک افت معمولی شاخص نبود، چند علامت هشدار همزمان دیده می‌شود؛ افت سنگین شاخص کل، خروج نقدینگی حقیقی، برتری تعداد نمادهای منفی و فشار فروش در شرکت‌های بزرگ. به نظرم باید این روزها را از سه زاویه بررسی کنیم؛ رفتار شاخص‌ها، جریان نقدینگی و وضعیت بنیادی و ریسک‌های بازار.

در بررسی تصویر بازار در پایان معاملات دیروز، نکته مهم این است که شاخص کل بیش از دوبرابر شاخص هم‌وزن افت کرده است. این اختلاف نشان می‌دهد شرکت‌های بزرگ و شاخص‌ساز فشار بیشتری تحمل کرده‌اند. البته افت هم‌وزن نیز نشان می‌دهد مشکل محدود به چند سهم بزرگ نبوده است.

به نظرم چهار عامل را در روند ضعف بازار، باید از هم تفکیک کنیم:

الف) فشار فروش در شرکت‌های بزرگ: طبق گزارش معاملات دیروز، وقتی شرکت‌هایی مانند ملی مس، صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس و پالایش نفت اصفهان تحت‌فشار فروش قرار می‌گیرند، شاخص کل به‌شدت متأثر می‌شود.

ب) خروج نقدینگی حقیقی: این بخش از نظر من مهم‌ترین علامت هشدار دیروز است و نشان می‌دهد که سرمایه‌گذار حقیقی دیروز تمایل بیشتری به فروش داشته است. این اتفاق از افت خود شاخص مهم‌تر است، چون نشان می‌دهد بخشی از سرمایه‌گذاران حاضر نیستند در قیمت‌های فعلی ریسک سهام را بپذیرند.

ج) وضعیت فرابورس بهتر از بورس، اما همچنان منفی: شاخص فرابورس فقط ۰،۳۹ درصد افت کرده، در حالی که شاخص کل بورس ۱،۶۲ درصد کاهش داشته است. این تفاوت نشان می‌دهد فشار فروش در بورس تهران، به ویژه در شرکت‌های بزرگ، شدیدتر بوده است.

د) ریسک سیاسی و انتظارات ارزی: یکی از موضوعات مهم بازار، حساسیت به اخبار سیاسی و احتمال تشدید تنش‌های منطقه‌ای است که این روزها اخبار آن سرمایه‌گذار را در وضعیت ابهام قرار داده است.

برای روزهای آینده سه سناریوی خاص را می‌توان برای بازار سهام متصور بود؛ نخست بازگشت تقاضا: کاهش تنش سیاسی، ورود پول حقیقی و افزایش ارزش معاملات، امکان اصلاح مثبت و برگشت شاخص، دومین مورد نوسان و فرسایش که ادامه ابهام سیاسی و نبود نقدینگی موثر و معاملات نوسانی و کم‌رمق و درنهایت سومین مورد ادامه افت که تشدید ریسک‌های سیاسی و خروج پول افزایش فشار فروش و درنهایت احتمال ثبت کف‌های پایین را در پی دارد. در هفته آتی این چند شاخصه مهم در بازار باید تحت بررسی قرار بگیرد که نخستین مورد ورود و خروج پول حقیقی است؛ آیا خروج نزدیک به ۵ همت متوقف می‌شود؟ مورد؛ ارزش معاملات خرد: آیا حجم و ارزش معاملات با ورود تقاضای واقعی افزایش پیدا می‌کند؟ سومین مولفه؛ قدرت خرید حقیقی: آیا سرانه خرید به سرانه فروش نزدیک می‌شود؟ چهارمین مورد؛ تعداد نمادهای مثبت و منفی: آیا مشارکت بازار در رشد بیشتر می‌شود؟ پنجمین مورد نیز؛ رفتار نمادهای بزرگ: به‌خصوص فملی، فارس، فولادی‌ها، پتروشیمی‌ها و پالایشی‌ها. جمع‌بندی و نظر تحلیلی من با ارزیابی فعلی منفی و محتاطانه است. رفتار اصلاحی بازار طی روزهای اخیر را می‌توان یک روز هشداردهنده برای بازار دانست و به‌نوعی این روندها فعلا شروع ریزش نیست.

سه نکته مهم است؛ افت شاخص کل در کنار افت شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد ضعف بازار گسترده‌تر از چند نماد بزرگ است. خروج پول حقیقی نشان می‌دهد اعتماد و تمایل به پذیرش ریسک فعلا پایین آمده است. فرابورس افت کمتری داشته، اما هنوز نشانه‌ای از برگشت قطعی بازار ارائه نمی‌دهد.

یک نکته بنیادی هم وجود دارد که رشد اسمی شاخص در اقتصاد تورمی ایران الزاما به معنای رشد واقعی ارزش شرکت‌ها نیست. باید بررسی کرد آیا سودآوری شرکت‌ها، جریان نقد عملیاتی و توان تقسیم سود نیز متناسب با رشد قیمت‌ها افزایش یافته‌اند یا خیر.

بنابراین، من در شرایط فعلی، خرید هیجانی را منطقی نمی‌دانم و برای تشخیص برگشت بازار منتظر تایید همزمان جریان نقدینگی، قدرت خرید و بهبود تعداد نمادهای مثبت می‌مانم.



هزینه ساخت یک واحد ۱۰۰ متری چقدر است؟

مردم از بازار مسکن جا ماندند

۵

یادداشت-۲

پایان نظم سنتی، آغاز عصر «تکثر قدرت»



محمدحسین ادیب

تعریف سنتی سیاست، ائتلاف‌های کلاسیک جهانی و ساختارهای شناخته شده قدرت در حال فروپاشی است. سیاست نه یک مسابقه فوتبال قانون‌مند، بلکه میدانی بی‌پایان از چالش برای تصاحب جایگاه‌هاست؛ جایی که قدرت، اعتبار و نفوذ در هم تنیده شده و ائتلاف‌های سنتی جای خود را به تقابل‌های روزمره و شبکه‌های جدید قدرت داده‌اند. چرا ما ایرانی‌ها مدام و هر پنج دقیقه یک‌بار موبایل‌هایمان را تست می‌کنیم تا ببینیم در دنیا چه خبر است؟ علت این رفتار مضطربانه این است که تعریف درستی از «سیاست» نداریم. اگر این تعریف را به درستی درک کنیم، نیازی به این همه مراجعه مکرر به اخبار نخواهیم داشت.

برای اینکه نیازی به مترجم و تحلیلگر نداشته باشیم، سیاست را باید در چند جمله کلیدی خلاصه کرد: جهان به این سمت حرکت می‌کند که هر کس، در هر نقطه از کره زمین -از جمله شخص دونالد ترامپ- هر اندازه قدرت داشته باشد، هر روز فرد دیگری پیدا می‌شود که می‌خواهد جایش را بگیرد و به او بگوید: «برو کنار، مزاحم!» موضوع سیاست، «قدرت» است. جهان امروز شبیه یک مسابقه فوتبال نیست که در آن سوت پایان زده شود و برنده و بازنده مشخص شوند، بلکه مسابقه‌ای بی‌پایان است که هر روز صبح، بازندگان و برندگان تازه‌ای در آن معرفی می‌شوند. سه ضلع کلیدی این جهان جدید عبارتند از: قدرت، اعتبار و نفوذ. این سه مفهوم به هم پیوسته‌اند؛ قدرت، اعتبار می‌آورد و اعتبار، نفوذ می‌سازد. اما هر کس که این سه عنصر را در اختیار داشته باشد، بلافاصله با رقیبی مواجه می‌شود که آماده است او را کله‌پا کند. نکته بسیار مهم این است که این بازی از سطح دولت‌ها فراتر رفته و از خودِ شما شروع می‌شود. این یک بحث انتزاعی مربوط به عربستان یا ایالات متحده نیست؛ در ایران و در زندگی فردی تک‌تک ما نیز جریان دارد. جهان به سمتی می‌رود که هر قدر قدرت، اعتبار و نفوذ داشته باشید، هر روز نیروهای تازه‌ای علیه شما متحد می‌شوند تا شما را از صحنه به در کنند. یکی دیگر از پیامدهای این تحول بنیادین، این است که «ائتلاف‌های سنتی» دیگر در جهان سیاست معنا و کارکردی ندارند.

منظورمان از ائتلاف‌های سنتی، نهادهایی چون ناتو، سازمان جهانی تجارت یا اتحادیه اروپاست. برای نسل ما که با اتحادیه اروپا بزرگ شده‌ایم، پذیرش این تحولات دشوار است. ما از جامعه فولاد و زغال‌سنگ اروپا به بازار مشترک و سپس به منطقه یورو رسیدیم. اما امروز نخست‌وزیر ایتالیا از اخراج اسپانیا از منطقه شینگن سخن می‌گوید؛ حرفی که اگر تا یک‌سال پیش مطرح می‌شد، کسی آن را باور نمی‌کرد. این یعنی اتحادیه اروپا و ائتلاف‌های مشابه در حال ترک خوردن و فروپاشی‌اند. در گذشته، مفهوم «قدرت ملی» در چارچوب ائتلاف‌های جهانی معنا پیدا می‌کرد. اما امروز دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند به تنهایی و بدون پشتوانه متحدان منطقه‌ای به سیاست‌ورزی بپردازد. برخی می‌پرسند چرا ایران متحد منطقه‌ای دارد؟ پاسخ روشن است: در جهانِ بی‌رحم امروز، کشوری که ائتلاف منطقه‌ای نداشته باشد، توسط رقبا بلعیده و خورده می‌شود.

عصر ائتلاف‌های سنتی غرب به پایان رسیده و آنچه باقی مانده، ته‌مانده‌هایی است که ترامپ با لجن‌مال کردن و لگد زدن به آنها، تیر خلاص را به پیکرشان می‌زند. ترامپ با یورشی بی‌شکل، به نظم پیشین جهانی ضربه می‌زند؛ یورشی که هدف اصلی آن، برهم زدن تمام ساختارهای قدیمی است که امریکا سال‌ها در گیر آنها بود. برای فهم درست خاورمیانه و تحولات پیرامونی، باید ذهن خود را از «نظم قبلی جهان» خالی کنیم. این نظم دیگر وجود خارجی ندارد. ویژگی بنیادین جهان امروز این است که قدرت به سمت «توزیع بیشتر» حرکت می‌کند. اگر در گذشته قدرت در دست ۱۰ واحد مشخص متمرکز بود، امروز جهان به سمتی می‌رود که این تعداد به ۱۰۰ واحد می‌رسد. پیش‌بینی آینده روشن است: قدرت در سال‌های پیش رو بیش از پیش متکثر خواهد شد و این روند در همه سطوح جریان دارد.

این تکثر قدرت را حتی می‌توان از کانون خانواده آغاز کرد. امروز در خانواده‌های مدرن، مرد دیگر اقتدار مطلق و سنتی گذشته را ندارد، چراکه اقتدار در ساختار خانواده نیز توزیع و تعدیل شده است. در سطح دولت‌ها و مناسبات جهانی نیز دقیقا همین قاعده حکمفرماست.

قدرتی که روزی انحصاری بود، امروز در دست بازیگران خرد و کلان متعددی پخش شده است که هر یک ادعای سهم‌خواهی دارند. بنابراین اگر می‌خواهیم شرایط پیچیده خاورمیانه و موقعیت ایران را درک کنیم، باید پیش‌فرض‌های کهنه را کنار بگذاریم. جهانِ امروز، جهانِ پایان ائتلاف‌های سنتی، آغاز تکثرگراییِ قدرت و میدانِ رقابت‌های بی‌امانی است که در آن، حفظ موقعیتِ مستلزم فهم دقیق پویایی قدرت، اعتبار و نفوذ در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی است.

یادداشت-۳

حمایت معیشتی بدون تشدید تورم



حمیدحاج‌اسماعیلی

حمایت از معیشت خانوارها، به‌ویژه دهک‌های پایین درآمدی، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاستگذاری اقتصادی در شرایط تورمی است. با این حال، چگونگی تامین منابع حمایت‌های دولتی و پیامدهای اقتصادی آن، به اندازه اصل حمایت اهمیت دارد. افزایش اعتبار کالابرگ می‌تواند بخشی از فشار هزینه‌های زندگی را کاهش دهد، اما اگر اجرای آن به تشدید کسری بودجه و افزایش تورم منجر شود، ممکن است در نهایت بخشی از اثر حمایتی خود را از دست بدهد.

اصلی‌ترین برنامه دولت برای حمایت از معیشت مردم، افزایش رقم کالابرگ برای دهک‌های پایین درآمدی است. با این حال، اجرایی نشدن این افزایش با گذشت بیش از شش ماه از سال نشان می‌دهد که دولت نمی‌خواهد این سیاست را به هر قیمتی پیش ببرد. تامین منابع لازم برای افزایش کالابرگ، بدون توجه به پیامدهای مالی آن، می‌تواند هزینه‌هایی ایجاد کند که در نهایت به زیان همان خانوارهایی تمام شود که قرار است از این حمایت بهره‌مند شوند. مساله اساسی در سیاست‌های حمایتی، ایجاد تعادل میان دو ضرورت است: از یک طرف، خانوارهای کم‌درآمد به حمایت فوری برای تامین نیازهای اساسی خود احتیاج دارند و از طرف دیگر، این حمایت نباید به عاملی برای تشدید مشکلات اقتصادی تبدیل شود. افزایش اسمی اعتبار کالابرگ، زمانی می‌تواند اثرگذاری پایداری داشته باشد که با منابع مالی قابل اتکا همراه باشد و فشار تازه‌ای بر بودجه دولت وارد نکند. در همین چارچوب، تلاش برای مهار تورم و کاهش کسری بودجه اهمیت ویژه‌ای دارد. اصرار بانک مرکزی بر کنترل تورم از مسیر سیاست‌های پولی و انضباط مالی، به گفته اینجانب، به کاهش رشد نقدینگی و تورم نقطه‌به‌نقطه در شهریورماه کمک کرده است. این دستاورد، فارغ از میزان پایداری آن در ماه‌های آینده، باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا مهار تورم می‌تواند به صورت غیرمستقیم بر قدرت خرید خانوارها اثر بگذارد و از سرعت کاهش ارزش واقعی درآمد آنها بکاهد.

واقعیت این است که تورم، اثر حمایت‌های معیشتی را به تدریج کاهش می‌دهد. هر میزان اعتباری که برای خرید کالاهای اساسی در نظر گرفته شود، در صورت افزایش مداوم قیمت‌ها، قدرت خرید کمتری خواهد داشت. بنابراین اگر دولت از یک سو اعتبار کالابرگ را افزایش دهد و از سوی دیگر نتواند از تشدید تورم جلوگیری کند، ممکن است برای حفظ اثر حمایتی این سیاست، ناچار به افزایش‌های مکرر شود؛ روندی که می‌تواند فشار بیشتری بر منابع عمومی وارد کند. از این منظر، احتیاط دولت در افزایش رقم کالابرگ را باید در چارچوب تلاش برای جلوگیری از تبدیل حمایت‌های معیشتی به عاملی برای تشدید تورم بررسی کرد. البته این احتیاط نباید به معنای نادیده گرفتن فشار اقتصادی بر دهک‌های پایین باشد. خانوارهایی که بخش عمده درآمد خود را صرف تهیه کالاهای ضروری می‌کنند، بیش از سایر گروه‌ها در معرض پیامدهای افزایش قیمت‌ها قرار دارند و نمی‌توان حمایت از آنها را تا زمان دستیابی به شرایط اقتصادی ایده‌آل به تعویق انداخت.

ادامه در صفحه ۳

نگرانی‌های امنیتی همچنان پابرجاست

اعتماد به بایننس زیر سایه سرقت میلیاردی

سرقت ۶.۳ میلیارد دلاری از بایننس، بزرگ‌ترین صرافی رمزارز جهان، اگرچه تاکنون به هجوم گسترده کاربران برای برداشت دارایی‌ها منجر نشده، بار دیگر امنیت بازار رمزارز را در کانون توجه قرار داده است. پس از بازگشایی خدمات برداشت، حدود ۳۶۴ میلیارد دلار سرمایه به‌صورت خالص از این صرافی خارج شد؛ رقمی معادل ۲.۱...

صفحه ۶ را بخوانید

«تعادل» روند معاملات بورس‌های جهانی را بررسی می‌کند

بازگشت بورس‌های جهانی به مدار صعود

بازارهای سهام آسیا در معاملات روز ۲ نوامبر، بار دیگر به مدار صعود بازگشتند؛ اتفاقی که در پی افزایش امیدواری سرمایه‌گذاران نسبت به انتشار گزارش درآمدی شرکت اپل و کاهش نگرانی‌ها درباره هزینه‌های سنگین سرمایه‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی رخ داد. در شرایطی که عملکرد شرکت‌های بزرگ فناوری به یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده مسیر بازارهای جهانی تبدیل شده است، فعالان بازار در انتظار نشانه‌هایی از توانایی غول‌های فناوری برای تبدیل سرمایه‌گذاری‌های گسترده به درآمد و سودآوری هستند. همزمان، قیمت نفت در پی ادامه گفت‌وگوها میان میانجی‌های ایرانی و قطری کاهش یافت؛ هرچند تداوم حملات به نفتکش‌ها در خلیج‌فارس همچنان از عوامل اثرگذار بر فضای بازار انرژی محسوب می‌شود. در ساعات ابتدایی معاملات روز دوشنبه، قراردادهای آتی سهام امریکا افزایش یافتند و بخشی از فشار فروش هفته گذشته را جبران کردند. معاملات آتی...

صفحه ۴ را بخوانید

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.